

BP	مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت / دانشگاه
۲۵۰/۳	مازندران، ویراستاران، احمد غنی پورملکشاه و احمد رضایی - بابلسر: دانشگاه
۴۳	مازندران، ۱۳۸۶.
	۵۴۵ ص. - (انتشارات دانشگاه مازندران: ۲۴۴)
	کتابنامه.
	۱. ایثارگری - مقاله‌ها و خطابه‌ها. ۲. شهادت - خطابه‌ها. ۳. مقاله‌های فارسی -
	قرن ۱۴. الف. غنی پورملکشاه، احمد، ویراستار. ب. رضایی، احمد، ویراستار.
	ج. دانشگاه مازندران. د. عنوان.

عنوان: مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

ویراستاران: دکتر احمد غنی پورملکشاه - دکتر احمد رضایی

ناشر: انتشارات دانشگاه مازندران

تاریخ انتشار: مهر ۱۳۸۶

نوبت چاپ: اول

محل انتشار: بابلسر - دانشگاه مازندران

تعداد صفحات: ۵۴۵

شمارگان: ۷۰۰ نسخه

حروف‌چینی و صفحه‌آرایی: حمید اکبری

چاپ: مؤسسه‌ی چاپ نیما

بابلسر: خیابان پاسداران، دانشگاه مازندران، حوزه‌ی معاونت پژوهشی

ISBN: 964-2571-18-8

شابک: ۹۶۴-۲۵۷۱-۱۸-۸

✓ توهم اجتماعی در تجلیل از ایثارگران جنگ: تجربه جهانی

۲۳۷ ..... محمود شارع پور

✓ بررسی میزان تحقق هدف اجتماعی ایثارگری در آموزش و پرورش دوره متوسطه (مطالعه موردی: دانش آموزان و دبیران متوسطه نظری)

۲۴۹ ..... ابراهیم صالحی عمران - محمدباقر اکبرپور زنگلانی

شناسایی عوامل و موانع ترویج فرهنگ ایثار و شهادت (مطالعه موردی: استان گلستان)

۲۸۱ ..... علی اکبر محمدرضایی نوده - حسینعلی سرگزی - قاسمعلی کابلی - زینب آلوستانی

← کتابهای درسی دوره ابتدایی و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

۳۲۳ ..... بهروز مهram - بتول نبی زاده شهری

تشخیص و درمان اختلال فشار روانی پس آسیبی (PTSD) در جانبازان

۳۴۱ ..... عبدالعلی یعقوبی

محور سوم: "ادبیات، هنر، رسانه‌ها" و "آسیب شناسی ترویج فرهنگ

ایثار و شهادت"

نقش هنر گرافیک در ترویج و تقویت فرهنگ ایثار و شهادت

۳۷۱ ..... محمد اعظم زاده

آسیب شناسی ادبیات داستانی جنگ

۳۸۹ ..... مهدی خادمی کولایی

جایگاه ادبیات در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

۴۱۵ ..... علی عسکری

ادبیات و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت

۴۴۵ ..... سید حسین میرشجاعی

محور چهارم: "جوانان" و "آسیب شناسی فرهنگ ایثار و شهادت"

✓ بررسی وضعیت روحیه ایثارگری در بین فرزندان شاهد و ایثارگر

۴۶۹ ..... احمد رضایی - احمد غیاثوند

چگونگی ترویج فرهنگ شهادت و ارزشهای شهیدان

۴۹۷ ..... محمود سعیدی - مریم شاهرخی

نقش سرمایه اجتماعی در گرایش به ایثار

۵۲۳ ..... زهرا کریمی

### چگونگی ترویج فرهنگ شهادت و ارزشهای شهیدان

محمود سعیدی

مریم شاهرخی\*\*

#### چکیده

اهمیت فرهنگ شهادت بر کسی پوشیده نیست. اما این فرهنگ را باید به بهترین شیوه‌های موجود ترویج داد. در تحقیق مرتبط با مقاله حاضر، کتابهای ویژه زندگی‌نامه‌ی شهدا مدنظر قرار گرفته است. در این مقاله در مورد مفاهیم فرهنگ، فرهنگ شهادت، ارزش‌های شهیدان و مفهوم لغوی و اصطلاحی شهید و شهادت، شهادت در قرآن و روایات بحث شده است و سپس سه کتاب شهید رجایی، شهید چمران و شهید همت معرفی شده‌اند. در دو مرحله بعدی نظرات دانشجویان دختر در مورد میزان مطلوبیت این سه کتاب و پیشنهادهای اصلاحی آنان مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. سپس نقاط مثبت و منفی سه کتاب از نظر آنها مشخص گردیده است. علاوه بر سه کتاب اصلی، جهت غنا بخشیدن به تحقیق نقطه نظرات برجسته‌ی دانشجویان را جمع به کتابهای شهید فهمیده - گلپوی (شهید بروسی)، شهید پروجردی، شهید همت، شهید بهشتی و شهید شهاب نیز آمده است.

نمونه آماری از نوع نمونه در دسترس و از میان دانشجویان دختر دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی انتخاب شد. یافته‌ها نشان داد که کتابهای مذکور در مجموع مورد توجه و علاقه دانشجویان قرار گرفتند و در صورت توجه به ابعاد خانوادگی زندگی شهیدان، می‌توان بیش از گذشته از این کتابها در جهت ترویج فرهنگ شهادت سود جست.

#### بیان مساله

از آن زمان که قابیل خون برادر بر زمین ریخت در حیات تبعیدیان عالم خاک، صفحه‌ای گشوده شد که سطور آن را با خون نگاشته‌اند و تا ابناء آن دو بر این خاکدان می‌زیند این صحنه و آن صفحه گشوده خواهد ماند. در این عرصه دو

\* استادیار دانشگاه فردوسی

\*\* کارشناس حوزوی (جامعه الزهرا)

گونه مقابله امکان‌پذیر است. حق با باطل و باطل با باطل، هر دو گروه در عداد قایلیانند و از دسته نخست گروه اول در کنار هابیل می‌ایستند. دوم در صف قایلین. به همین صورت کسانی هستند که با پذیرش ولایت پشت به نور با سرعت به طرف ظلمات شتافته‌اند و اینها سزاوار آتش است. نفسشان چنان سوزانیده شود که دیگر نور را مانع نباشد. اما آنانکه ولایت را پذیرفته‌اند ظلمت گریزند و تاریکی‌ها و تباهی سخت آزارشان می‌دهد. سوی نور پیش می‌روند و هر چه بالاتر می‌روند شوقشان به صعود بیشتر می‌گردد. اینان را با خفاشان شب‌آسا، میانه‌ای نیست.

این منادیان نور، عروجی نورانی‌تر از آغاز می‌کنند تا آنجا که همه مرگها میادین را درنوردیده و به مقام شهادت نائل می‌گردند و می‌بینند نه به چشم که با چشم معشوق، و می‌شنوند نه با گوش ظاهری بلکه با گوش (او) مستغرق در معشوق می‌شوند و به کمال آرزوهای یک عاشق دست می‌یابند (با الهام آثار مرحوم شریعتی).

پیامبر گرامی (ص) درباره ارزش شهادت فرمود: شریفترین مرگها شهادت است. علی (ع) نیز در این باره فرمود: «پربزرگ‌ترین، شرافتمندترین، باشکوه‌ترین و گرامی‌ترین مرگها، کشته شدن در راه خداست.»

در طول تاریخ و در تاریخ خونین اسلام، بخصوص در جریان انقلاب ایران، قهرمانان فراوانی سراغ داریم که با توجه به ارزش شهادت در کلام ائمه و بزرگان دین، در راه رسیدن به آرمان بزرگ توحیدی و به خاطر عشق به حق و برای دفاع از دین و میهن و ناموس، جانپازی کرده و با تثار جان خویش در مقابل مخالفان و طاغوتیان زمان عاشق‌وار مرگ سرخ را به آغوش کشیده‌اند.

ما موظفیم و باید یک سری مفاهیم، ارزش‌ها و ارکان مهم فرهنگی جامعه خویش را به فرزندان این مرزوبوم انتقال دهیم، تا فرزندان این مرزوبوم بیش‌ازپیش با ارزش‌ها و فرهنگ جامعه خویش آشنا شوند، و نسبت به حفظ آنها پایبند باشند. کتابهای زندگینامه شهدا در همین ارتباط تالیف شده‌اند.

مدف تحقیق حاضر بررسی این است که تعیین کند تا چه اندازه کتابهای ویژه زندگی شهیدان، زندگی شهیدان را معرفی کرده‌اند و تا چه حد از نظر محتویان دختر جذاب بوده‌اند و چه نقاط ضعفی داشته‌اند.

با عنایت به آنچه ذکر شد سؤالات پژوهشی زیر مدنظر قرار گرفت.

۱. در کتابهای مربوط به زندگی‌نامه شهیدان کدام بخش‌ها (ابعاد و صفات

شخصیتی شهید) مطرح شده‌اند؟

۲. علاقه دختران به کدام بخش‌های کتب مزبور بیشتر است؟

### مفهوم شناسی

#### فرهنگ

در لغت: واژه فرهنگ از دو جزء ترکیب شده است (فر) و (هنگ) «فر» خود به دو معنی آورده می‌شود: اگر به عنوان یک کلمه باشد به معنی نیروی معنوی، شکوه، عظمت، درخشندگی و جلال است همچنین اگر به عنوان یک پسوند باشد، در این صورت دارای معنی جلو، بالا، و پیش و بیرون است.

«فر» در ترکیب کلمه فرهنگ، پیشوند. (هنگ) از ریشه اوستادی (سنگ) به معنی سنگین، وزن، گروه و وقار آمده است (لغت نامه دهخدا).

بنابراین معنی لغوی واژه فرهنگ بالا کشیدن و بیرون کشیدن است، یعنی از ژرفای وجود افراد ملتی یا از درون یک جامعه، دانستی‌ها، مکتوبات، و نیروهای نهفته و تراویده‌های مستقل ذهنی و استعدادهای درونی و ویژه فردی را بیرون کشیدن و آشکار ساختن است، واژه فرهنگ در کتب لغت فارسی علاوه بر علم به معنی فضل، دانش، عقل، ادب، تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش نیز آمده است.

فرهنگ از نظر اصطلاحی: فرهنگ در اصطلاح جامعه‌شناسان، فرهنگ‌شناسان و مردم‌شناسان خاص انسان است و این نکته که تنها انسان دارای فرهنگ است، مورد تأیید همگان است اگر چه در تعریف فرهنگ متفق‌القول نیستند.

با این نگاه، فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که دربرگیرنده اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است و وسیله انسان به عنوان عضو جامعه کسب شده است (دانش‌نامه سرچشمه و برنامه‌ریزی آموزشی).

### ارزشها

ارزشها در حقیقت عبارتند از عمل‌گزینش یا انتخاب که توسط افراد در اوضاع مختلف زندگی به آن تکیه می‌کند و جهت‌گیری‌های اساسی و عمیق و ریشه‌دار او و اشیائی که نزد وی از احترام و تقدیس برخوردارند دربرمی‌گیرند. نگرش به طور ضمنی بر نوعی آمادگی روانی - عصبی برای فعالیت ذهنی - جسمی دلالت دارد (آلپورت، ۱۳۷۱- به نقل از سعیدی، ۱۳۷۹). نگرش نظام‌یادوام است که شامل یک عنصر شناختی، یک عنصر احساسی و یک تمایل به عمل است (کلاین برگ، ۱۳۲۶، به نقل از همان).

ارزشها "ایده‌هایی هستند که به آنها احترام قائل هستیم" (گریس، ۱۹۸۱- به نقل از کاظمی و سعیدی ۱۳۸۳). ارزشها را به دو دسته زیبایی‌شناسی و اخلاقی تقسیم می‌کنند. ارزشهای اخلاقی جنبه دستوری دارند و آنها را به "ایده‌هایی که به آنها احترام قائلیم و رفتار ما را هدایت می‌کنند تعریف می‌کنیم". همچنین ارزشها را مجموعه ترجیح‌هایی که یک نفر دارد، تعریف می‌کنند (موریس و پای ۱۹۷۶- ملک دانلد، ۱۳۶۶، به نقل از همان).

### فرهنگ شهادت:

در منابع از این اصطلاح تعریف خاصی به عمل نیامده است با ترکیب مفاهیم فرهنگ و شهادت می‌توان تعریف زیر را از فرهنگ شهادت به دست آورد: فرهنگ شهادت نظامی از رفتارهای جامعه راجع به جایگاه شهادت، نقش شهادت، اهمیت شهادت، شهادت‌طلبی و دیگر مفاهیم مرتبط با شهادت است.

### منابع شهادت:

در منابع از این اصطلاح ارزشها و شهادت می‌توان به ارزشهای شهادت آن جهت‌گیری اساسی و عمیق تقدیس بهره‌مند ساخته است

مفهوم لغوی شهید و شهادت

با توجه به آنچه از فرهنگ

زیر آمده است، معنای

آمده است: شهادت که

آید چنانکه در صحاح

كَتَمُ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ

مِثْلِ «عَالَمِ الْغَيْبِ وَ

همچنین به معنی

بِالشَّهَادَةِ عَلَى وَجْهِهِ

(۱۰۷) شهادت به

هستند «قَشَّادَةُ

بِالْكُفْرِ» (توبه ۱۷)

گفته‌اند شهادت

قَبِيضَةٌ» (یوسف

آنگاه که شهادت

حافظ است و

از علمش غائب

**ارزشهای شهیدان:**

بر مبنای این اصطلاح تعریف خاصی به عمل نیامده است با ترکیب مفاهیم شهید و شهیدان می توان تعریف زیر را از ارزشهای شهیدان به دست آورد. ارزشهای شهیدان آن چیزی است که شهدا انتخاب کرده اند، به عبارت دیگر استگیری اساسی و عمیق و ریشه دار شهدا هست که ایشان را از احترام و تقدیر بهره مند ساخته است.

**مفهوم لغوی شهید و شهادت:**

با توجه به آنچه از قاموس قرآن استنباط می شود و خلاصه مبحث مربوط در آن آمده است، معنای لغوی شهید و شهادت در قاموس قرآن جلد ۳ و ۴ چنین آمده است: شهادت که به معنی حضور و دیدن است گاهی به معنی خبر قاطع آید چنانکه در صحاح و قاموس گفته ظاهراً مراد از آن در آیهی «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ» (بقره ۴۰) خبر قاطع باشد. و گاهی به معنی آشکار آیه ش «عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةُ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ» این جمله در آیات بسیاری تکرار شد. همچنین به معنی ادای شهادت و اظهار خبر قاطع آمده «ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهِهَا - فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَادَتُنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتَيْهِمَا» (مائده ۱۰۸-۱۰۷) شهادت به معنی اقرار، حکم و علم هم می آید که همه از حضور و دیدن هستند «فَشَهَادَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللَّهِ» (نور ۶) یا «شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ بِالْكَفْرِ» (توبه ۱۷)

گفته اند شهادت در این آیات اقرار است. «وَشَهَادَةُ شَاهِدٍ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ» (یوسف ۲۶) راغب آن را در آیه به معنی حکم گفته است. آنگاه که شهادت به خداوند سبحان اطلاق شود به معنی حاضر، شاهد و حافظ است و در نهایت در اقرب الموارد می گویند: شهید آن است که هیچ چیز از علمش غائب نیست.

خلاصه آن که شهید به معنی مقتول در راه خدا در قرآن نیامده است. قرآن "قتل فی سبیل الله" بکار رفته است. نظیر آیه «و لا تحسبن انکم فی سبیل الله امواتاً» (آل عمران ۱۶۹) و آیات فراوان دیگری که ناظر بر معنای حیات معنوی آنها و روزی خوردن آنان نزد پروردگار است، لکن هیچ‌کس بیان شد قرآن از اصطلاح کشته شدن (و نه شهادت) در راه خدا استفاده نکرده است.

#### مفهوم اصطلاحی شهید و شهادت:

آیات و روایات عنوان شده، در مورد واژه شهادت در قالب "گواه" بود. روایات موارد متعددی در مورد شهادت در راه خدا با استفاده از لفظ شهید شهادت وجود دارد.

پیامبر(ص) فرمودند: بالای هر نیکی، نیکی است تا آن گاه که مرد در راه خدا کشته شود. پس، چون در راه خدا کشته شد بالاتر از آن نیکی و (ارزشی) وجود ندارد. (اصول کافی)

و امام سجاد(ع) فرمودند: هیچ قطره‌ای نزد خدای عزوجل محبوبتر از دو قطره نیست: قطره‌ی خونی که در راه خدا کشته شود و قطره اشکی که بنده در شب برای خدا ریزد.

سخنان حضرت علی(ع) بارها در نهج البلاغه راجع به تشویق به جهاد و اشتیاق ایشان به شهادت در راه خدا آمده است، نظیر: برادران ما که خونشان در صفین ریخته شد، اگر امروز زنده نیستند، زیان نکرده‌اند تا اندوهگین شوند و شرنگ تیره‌گون جفای دشمن را بیاشامند. به خدا سوگند با خدا دیدار کردند و خدا مزدهایشان را به تمامی بداد و پس از ترسان بودن به سرای امانشان درآورد. کجایند برادران من که قدم در راه نهادند و در راه حق درگذشتند؟ عمار بن یاسر کجاست؟ ابن تیهان کجاست؟ ذوالشهادتین کجاست؟ کجایند همانندان ایشان،



برادرانمان که با هم مرگ پیمان بستند و سرهایشان به سوی بزهکاران فرستاده شد (خطبه ۱۸۲).

و در خطبه ۱۷۱ باز شوق به شهادت و آرزوی آن را با دعایی به محضر باری تعالی به تصویر می‌کشند: "خدایا شهادت را نصیب ما کن و ما را از فتنه‌ها در امان دار".

و در همین خطبه در بیان مطلبی راجع به گفتگویشان با رسول خدا (ص) و پاسخ به سوال آن حضرت در مورد صبر بر شهادت، به حضرت رسول (ص) عرض می‌کنند: یا رسول الله! آنجا (در هنگام شهادت) جای صبر نیست، بلکه جای شادمانی و سپاسگزاری است.

و نیز حضرت علی (ع) در وصف شهدا و آرزوی شهادت در خطبه ۱۱۶ در مورد شهدا می‌فرمایند: به خدا سوگند آنان مردمی بودند نیک اندیش، ترجیح دهنده‌ی بردباری گویندگان حق و ترک کنندگان ستم، پیش از ما به راه راست قدم گذاشتند و شتابان رفتند و در به دست آوردن زندگی جاویدان آخرت و کرامت گوارا، پیروز شدند.

عشق به شهادت چنان آمادگی به حضرت علی (ع) در مواجهه با دشمنان داده است که در نامه ۶۲ می‌فرمایند: به خدا سوگند، اگر با ایشان روبرو شوم، من تنها باشم و آنها روی زمین را پر کنند، نه باک دارم و نه هراس، زیرا به آن گمراهی که آنان در آن غرق‌اند و آن هدایتی که خود بدان آراسته‌ام، نیک آگاهم و از جانب پروردگارم با یقین همراهم. من به دیدار خداوند و ثواب نیکویی که مرا ارزانی دارد، امید بسته‌ام و منتظر آن هستم.

و نیز در پایان عهدنامه خود به مالک اشتر، می‌فرماید: من از خداوند، به رحمت گسترده و قدرت عظیمش بر آوردن هر خواهش و مطلوبی، مسألت دارم که عاقبت من و تو را به سعادت و شهادت ختم فرماید.

عشق به شهادت در دل پیامبر (ص) آن‌چنان بود که می‌فرمودند: «والذی نفسی بیده لو ددت ائی اقتل فی سبیل الله ثم احیا ثم اقتل ثم احیا، ثم اقتل».

سوگند به آنکه جانم در دست اوست دوست دارم که در راه خدا کشته شود و سپس زنده گردم و باز کشته شوم و بار دیگر زنده گردم و باز کشته شوم.

حضرت علی (ع) هم عاشق شهادت بودند لذا می‌فرمایند: به خدا سوگند که من برحق هستم و عاشق شهادتم و در جایی دیگر باز می‌فرمایند: به خدا سوگند اگر نبود که در هنگام شهادت یا دشمنم چشم طمع به شهادت دوخته‌ام و خود را برای آن آماده کرده‌ام دوست داشتم که حتی یک روز در کنار این مردم نمازم (خطبه ۱۱۹ و ۱۲۰).

بهترین و گرامی‌ترین مرگ، کشته شدن در راه خداست که انسان را به جنت می‌رساند که همانا رسیدن به رضای الهی است و بهره‌مند شدن از رضوان الهی به این خاطر است که پیامبر (ص) و ائمه (ع) این آرزو را داشتند و به رهبری راه خویش همواره این نکته را یادآوری می‌کردند که در راه خدا بجنگید و کشته شدن ترسند زیرا که مرگ در نهایت به سراغ هرکسی می‌رود و چه بستر این مرگ، بهترین مرگ یعنی شهادت در راه خدا باشد، و ائمه (ع) همواره یادآوری می‌شدند که مرگ در بستر برای کسی که می‌تواند کشته بشود و به مقام شهادت برسد بسیار ذلت‌آور است. از ابن‌رو حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرمایند: «انَّ اَكْرَمَ الْمَوْتِ الْقَتْلُ. وَالَّذِي نَفْسُ ابْنِ اَبِي طَالِبٍ بَيْنَهُ لِأَلْفِ ضَرْبَةٍ بِالسَّيْفِ اَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ مَيْتَةٍ عَلَي الْفَرَّاشِ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللهِ.»

همانا گرامی‌ترین مرگ کشته شدن است سوگند به آن‌که جان علی ابن ابیطالب در دست اوست، هزار ضربت شمشیر بر من آسانتر است از جان دادن در بستر که با طاعت خود همراه نباشد.

شهید با شهادت خود باعث آمرزش گناهان خود می‌شود. و دیگر بین خود و خدایش هیچ گناهی باقی نمی‌ماند البته حق‌الناس بر گردن او هست ولی گناهان بین او و پروردگار با نخستین قطره‌ی خورش بخشیده می‌شود. امام صادق (ع) می‌فرمایند: هر که در راه خدا کشته شود خداوند چیزی از گناهانش را به او نمی‌شناساند» (وسائل الشیعه، جلد ۱۱، ص ۹- به نقل از سایت الکترونیکی). شهید

با شهادت خود به عالی‌ترین مقام معنوی که جای گرفتن در مقام قرب الهی است دست می‌یابد لذا دنیا با تمام زیبایی‌هایش برای او جلوه‌ای ندارد. و تمایلی به برگشتن به دنیا هم ندارد. اما چون فضیلت و برکات شهادت را متوجه می‌شود آرزو می‌کند که کاش به دنیا برگردد و بارها و بارها در راه خدا بجنگد و شهید شود. پیامبر (ص) به جابر بن عبدالله انصاری می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَكْلَمْ أَحَدًا إِلَّا مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ، وَ كَلَّمَ، أَبَاكَ مُوَاجِهًا فَقَالَ لَهُ: سَلْنِي اعْطِكَ! قَالَ: أَسْأَلُكَ أَنْ يَرُدَّنِي إِلَى الدُّنْيَا حَتَّى أَجَا وَ مَرَّةً أُخْرَى فَأَقْتُلُ»

خداوند با هیچ کسی جز برای حجاب سخن نگفت: اما با پدرت در روی سخن گفت و به او فرمود: از من بخواه تا عطايت کنم، پدرت گفت: از تو می‌خواهم که مرا به دنیا بازگردانی تا بار دیگر جهاد کنم و کشته شوم. (میزان الحکمه باب ش)

شهید با نیت خالصانه خود است که به مقام شهادت می‌رسد و گرنه هر کشته شدنی شهادت نیست لذا نیت در شهادت بالاترین مسأله است لذا بالاترین فرق شهید با سایرین در نیت خالصانه اوست.

در حدیث دیگری از پیامبر (ص) نقل شده است که رسول اکرم (ص) در روز احد بالای سر ((مصعب بن عمیر)) ایستاد و برای او دعا کرد و سپس گفت: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ يَشْهَدُ أَنَّ هَؤُلَاءِ شُهَدَاءُ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامِ فَاتَوْهَمُ زُورَهُمْ وَ سَلِمُوا عَلَيْهِمْ فَوَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَا يَسْلَمُ عَلَيْهِمْ أَحَدٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، إِلَّا رُدُّوا عَلَيْهِ، يَرْزُقُونَ مِنْ ثَارِ الْجَنِّ وَ تَوْتِحُ .

(کشف الاسرار، ج ۱، ص ۴۱۷- به نقل از سایت الکترونیکی)

یعنی رسول خدا گواهی می‌دهد که شهدا شاهدان من نزد خدا در روز قیامت هستند. بیایید و ایشان را زیارت کنید، بر ایشان سلام کنید، که سوگند به آنکه جانم در دست اوست، هیچکس نباشد که بر آنها سلام کند الا اینکه جوابش را می‌دهند. و آنها از میوه‌های بهشتی و هدایای آن روزی داده می‌شوند.

احساس می‌کنم که این دنیا دیگر جای من نیست، با همه وداع می‌کنم  
می‌خواهم فقط با خدای خود تنها باشم " شهید مصطفی چمران  
آری " مصطفی می‌توانست در بهترین نقطه‌ی آمریکا زندگی کند که  
هوایمای شخصی داشته باشد ولی همه چیز را رها کرد و..."

#### ۱. نکات جالب کتاب از نظر دانشجویان (۶-۱۱):

- ۱- آرزویم این است که اسلحه به دست بگیرم و برای آزادی تسلیح  
بجنگم. ص ۲۹
- ۲- «تعجب همه از این بود که چرا او جلوتر از همه می‌رود و کسی  
پرسیدم که چرا خودت را به خطر می‌اندازی، گفت: جلو رفتن من  
عجیب نیست، آنها که جلو نمی‌روند عجیب هستند».
- ۳- دو تا ماشین لندرور بود. از اهواز حرکت کردیم و به طرف دهلاویه  
رفتیم. آتش عراقی‌ها شدید بود. مصطفی همراهمان بود. یکدفعه  
صدای سوت خمپاره آمد. عجیب بود. خمپاره سقف برزنتی ماشین  
لندرو را سوراخ کرد و از وسط پای بچه‌ها کف ماشین را جر داد و  
تو زمین فرو رفت. پیاده شدیم. وامانده بودیم که چه اتفاقی افتاده  
است. خمپاره تو زمین فرو رفته و منفجر شده بود. در این اوضاع و  
احوال دیدم که مصطفی خم شده و کنار خمپاره‌ای که ترکیده به  
یک گل سرخ خیره شده است. گل زیبایی بود مصطفی با سرانگشت  
آن گل را نوازش می‌کرد. دورش جمع شدیم. مصطفی خیره به  
گل سرخ بود که گل برگهایش بر اثر باد به هر سو خم می‌شد و انگار  
می‌رقصید. مصطفی گفت: «چقدر زیباست! نگاه کنید» (ص ۷۱).
- ۴- خدایا! تو مرا با شکنجه‌ی همه‌ی محرومان و مظلومان تاریخ آشنا  
کردی. خدایا! همه چیز بر من ارزانی داشتی و بر همه‌اش شکر  
کردم. جسمی سالم و زیبا دادی! پایب قوی و تند و چالاک عطا

- کردی! بازوانی توانا و پنجه‌ای هنرمند بخشیدی! فکری عمیق دادی و از موهبات علمی به اعلا درجه برخوردارم کردی و... (ص ۷۴).
- ۵- «دیشب تا پیروزی انقلاب پیش رفتم» سقوط هلیکوپتر و کشته شدن مادری در پاوه (گرچه بسیار غم‌انگیز است اما به زیبایی به تصویر کشیده شده است).
- ۶- من تمام کارنامه‌ها و جزوه‌های درسی او را ورق زده‌ام. همه نمره‌هایش ۲۰ است. آدم وقتی می‌بیند، کیف می‌کند وقتی جزوه‌ها را ورق می‌زدم فکر می‌کردم که آنها را استاد خطاطی کشور پاکنویس کرده است. در دانشکده مهندسی مهدی بازرگان را دیدم که مصطفی در درس ایشان نمره ۲۱ گرفته است.

## ۲- نقاط ضعف و پیشنهادهای اصلاحی از نظر دانشجویان:

- ۱- اگر تمام مطالب به طور مستقیم از زبان دکتر چمران نوشته می‌شد بهتر بود.
- ۲- در صفحه‌ی ۳۳ بعد از اینکه در مورد چگونگی فارغ‌التحصیل شدن شهید چمران سخن گفته می‌شود و در واقع در نقطه اوج است. عبارت «خسته شده‌ام» را می‌آورد که این کلمه خواننده را از خواندن ادامه‌ی مبحث دلزده می‌کند و همچنین خواننده را خسته می‌کند. و در ص ۵۹ در مورد تهمت‌هایی که به ایشان زده می‌شود باید بیشتر توضیح داده می‌شد. در ص ۴۵ در حالی که خود مصطفی چمران زندگی‌نامه‌اش را نوشته عبارت «مصطفی بالای ساختمان ایستاده بود» نابجا به کار رفته است.
- ۳- نکات آموزنده و جالب از زبان دکتر چمران بیان شده است. پیشنهاد: در مورد زندگی شخصی، خانوادگی ایشان بیشتر اشاره شود.

- ۴- پیشنهادات، ص ۲۳ و ص ۴۵ اصلاح شود. و تصویر شمعی که شهید چمران کشیده است همراه با متن آن در پشت جلد آن یا یکی از صفحات پایانی کتاب چاپ شود.
- ۵- به نظر من بسیاری از جنبه‌های دیگر زندگی شهید چمران باید در کتاب معرفی می‌شدند و در کل باید به حجم کتاب افزوده شود.

### ۳. توصیه کتاب به دیگران:

۱. خواندن آن را به دیگران هم توصیه می‌کنم. زیرا با خواندن این گونه کتاب‌ها درک آنها تغییر می‌کند.
۲. به دانشجویان توصیه می‌کنم چون در مورد زندگینامه‌ی یکی از بزرگترین شخصیت‌های زمان انقلاب مطالبی را نوشته است که اطلاع از آن و اینکه یک نفر چقدر می‌تواند بزرگ باشد که بهترین زندگی را رها کند و به کمک محرومان بشتابد برای هر فردی می‌تواند مثرتر باشد. شاید انسان با خواندن این کتاب به این فکر کند که خود کیست و برای دیگران چه کاری انجام داده است.
۳. خواندن کتاب را به دانشجویان دیگر توصیه می‌کنم. زیرا شهید چمران الگویی از بالاترین درجات علمی و معنوی می‌باشد که باید به همه شناسانده شود.

### آشنایی با محتوای کتاب شهید رجائی

کتاب شهید رجائی دارای ۵۶ صفحه مطلب، ۶ صفحه توضیح اعلام، ۳ صفحه عکس و تصویر و یک صفحه سال شمار است.

در ابتدای کتاب شرح دستگیری و مبارزات شهید رجائی و شکنجه‌های شهید رجائی تقریباً ۱۶ صفحه از مطالب کتاب را به خود اختصاص داده است (از ص ۹ تا ص ۲۳).

صفحات ص ۲۵ تا ص ۳۲ با عنوان «پا به پای او» اگر چه شرح مختصری از زندگی شهید رجائی از ولادت تا اخراج او از ارتش و مبارزات است ولی روح حاکم باز هم دو محور زندگی بسیار ساده و اعتقاد راسخ مذهبی و مبارزات سیاسی ایشان است در این صفحات از روحیه و مبارزات همسر او هم یاد شده است.

ص ۳۲ تا ص ۳۷ با عنوان «آرزوی دیرینه» شرح زندانهای او از سال ۵۶ تا آبان ۵۷ است و در اواخر مبحث آزادی وی را به تصویر کشیده است. اصرار شهید رجائی بر نماز جماعت، تاثیر شهید رجائی بر زندانیان عادی، حرمت شکنی ماموران رژیم شاه نسبت به نماز از مشخصات بارز مطالب این بخش است. این بخش به ۲۲ بهمن ۵۷ و شرح پیروزی انقلاب اسلامی و آرزوی دیرینه شهید رجائی در تحقق حکومت اسلامی ختم می شود.

بخش بعدی از ص ۳۸ تا ص ۴۲ با عنوان «وزارت آموزش و پرورش تا ریاست جمهوری» به مسائل سیاسی بعد از انقلاب به خصوص بحث بنی صدر اختصاص یافته است.

در بخش «همچون مردم» از ص ۴۳ تا ۴۹، بُعد مردم داری شهید رجائی، ساده زیستی وی حتی در زمان ریاست جمهوری و امثال این موارد مطرح شده است. شهادت شهید رجائی، صفحات ۵۱ تا ۵۵ را به خود اختصاص داده است و وصیت نامه شهید رجائی در صفحات انتهایی کتاب آمده است.

#### ۱. نکات جالب کتاب از نظر دانشجویان: (n=۸)

۱. ارتباط ایشان در زندان با دیگر انقلابیان (ص ۱۶) و نامه همسر شهید رجایی به ایشان (ص ۳۲). البته سراسر کتاب حاوی مطالب جالب و ارزنده ای بود.
۲. «روزی که می خواست برای سخنرانی در سازمان ملل به نیویورک برود، با همان کت شلواری رفت که بعضی شبها آن را می پوشید و پنهانی به

- دیدار محلات فقیرنشین و حلبی‌آبادی‌ها می‌رفت» (ص ۳۸).
- نمی‌شود واقعاً فقیر و غنی برای فردی تفاوت نکند و فقط خدا بداند.
۳. من از وزارت آموزش و پرورش نمی‌روم ولو اینکه به من اجازه بدهند. بیایم و در یک مدرسه جارو کنم و یا فقط تخته پاک کنم به نظر من در مملکت خدمتی معنی دارد، معلمی است. (ص ۳۹).
۴. آقای رجایی فرزندتان دوست دارد گاهی سوار یکی از موتور سیکلت شود. چون اجازه نداشتیم چند بار مانع شدیم و نخواستیم خلاصی صورت بگیرد. اگر اجازه می‌دهید یکی از موتورها را گاهی اختیارشان بگذاریم. رجایی گفت: کدام موتورها؟ راننده با دست موتور سیکلت‌هایی را که کنار پله‌ها پارک شده بودند نشان داد و گفت: همین موتورها را می‌گویم» رجایی به راننده نگاهی کرد و گفت: مگر این موتورها ارث پدر من است که اجازه سواری یکی از آنها را به او بدهم.
۵. انجام دادن وظایف به نحو احسن با وجود تمام مشغله‌های کاری. شعر ندانستن معلمی بلکه وظیفه خطیر پیامبری. "با وجود داشتن سمت ریاست جمهوری باز خود را بنده‌ی خدا می‌دانستند (ص ۴۴)".
۶. ص ۱۵ آن قسمت که شهید رجایی تاول زده در سالن شکنجه‌گاه می‌دوید در حالی که زیر لب بخشی از دعای کمیل را می‌خواند. جایی که مولا علی (ع) می‌فرماید: «یا رب قوّ علی خدمتک جوارحی...»
۷. ص ۴۳ "شاید در طول سال‌های تحصیلی به معلمی برخورد کرده باشید که بخواهید سر کلاس او شیطنت کنید، ولی آنقدر مهربان و دوست داشتنی باشد که دلتان نباید اذیتش کنید. اگر همین معلم شما را در جلسه‌ی امتحان آزاد بگذارد تا هر کاری دلتان بخواهد بکنید و خود در گوشه‌ای بنشینید آیا حاضرید خلافتی بکنید؟ کسانی که سال‌ها در کلاس‌های درس رجایی شاگردی کرده‌اند، تن به چنین کارهایی نداده‌اند".



۸. نامه‌ای که همسر شهید رجایی در جواب نامه ایشان نوشته بود «تو مقام خودت را نمی‌دانی و آیا این زندان که رفته‌ای ناحق است یا حق؟ تو که دعوا نکرده‌ای یا ورشکست نشده‌ای، اختلاسی نکرده‌ای که زندان بروی تا من از زندان رفتن تو ناراحت بشوم. من به چنین همسری که در راه عقیده‌اش به زندان می‌افتد افتخار می‌کنم و اگر به امریکا رفته بودی ناراحت می‌شدم حالا که زندان رفته‌ای نه تنها ناراحت نیستم بلکه افتخار می‌کنم و احساس سرافرازی.

۹. "محمدعلی از مدرسه به خانه برمی‌گشت، در کارها به مادرش کمک می‌کرد. روز به روز طعم تلخ فقر و نداری را بیشتر می‌چشید ولی هرگز از ادامه تحصیل بازنماند. در سیزده سالگی، کلاس ششم ابتدایی را تمام کرد و بعد از آن بر سر دو راهی ماند دلش می‌خواست ادامه تحصیل بدهد. اما تا کی باید مادرش کار می‌کرد و خرج او و خواهرهایش را در می‌آورد؟ این بود که در بازار قزوین مشغول به کار شد. یک سال در مغازه خرازی دایی‌اش شاگردی کرد" و... ص ۲۶

۱۰. رجایی در اوین هم از پای نشست و به تشکیل نیروهای انقلابی پرداخت که به چند گروه تقسیم شده بودند. گروهی بچه‌های مسلمان بودند که تعدادشان بیش از ۴۰ نفر بود. در بین آنها کسانی چون عباس، شهید حقانی، بهزاد نبوی و به چشم می‌خوردند. که اغلب جلسات مخفیانه‌ای داشتند. گروه دیگر اعضای سازمان مجاهدین خلق بودند و گروه سوم متشکل از مارکسیست‌های کهنه‌کاری که به گروه غیرمذهبی معروف بود. رجایی دریافته بود اگر قرار است انقلابی در ایران رخ دهد، تنها با توسل به احکام و آموزش‌های اسلام و رهبری روحانیت امکان‌پذیر است. به همین خاطر در زندان فعالیت‌های خود را گسترش داد. (ص ۳۴).

۱۱. ص ۳۸ از وزارت آموزش و پرورش تا ریاست جمهوری  
 پیروزی انقلاب اسلامی، طبیعی بود که رجایی پس از سال‌ها  
 سرسختانه و مقاومت به نظری که در سپاه‌چال‌های رژیم طاقت‌فرسا  
 نشان داده بود، آرام ننشیند."

## ۲- نقاط ضعف و پیشنهادهای اصلاحی از نظر دانشجویان:

- ۱- زندگی شهدا را نمی‌توان در چند برگه خلاصه نمود. زندگی  
 همچون دریایی است که انتهایش قابل رؤیت نیست.
- ۲- پس از ریاست جمهوری ایشان مطالب بسیار خلاصه مطرح شد  
 است.
- ۳- اگر در کتاب توضیحات و مطالب بیشتری در مورد زندگی  
 خانوادگی شهید رجایی و رفتار و گفتار ایشان با فرزندان و  
 همسرشان می‌آمد، کتاب آموزنده‌تر و پرمحتواتر می‌شد.
- ۴- از خصوصیات اخلاقی ایشان به ویژه در میان خانواده صحبتی نشده  
 است. بهتر است به این مسأله هم پرداخته شود.
- ۵- اگر سعی شود بیشتر مطالب کتاب را با سخنان آن شهید مزین نمود  
 گمان می‌کنم تأثیرش در روح خواننده عمیق‌تر شود.

## ۳- توصیه کتاب به دیگران:

- ۱- علی‌رغم آن‌که کتاب مذکور برای گروه‌های سنی «د» و «ه» تهیه شده است  
 ولی باز هم خواندن آن را به همه عزیزان دانشجو توصیه می‌کنم زیرا که نسل  
 جوان و البته دانشجوی ما به دنبال الگویی است تا با استفاده از راه و رسم  
 آنها در مسیر زندگی شایسته‌تر و پرتوان‌تر گام بردارد و چه الگویی پرفروغ‌تر  
 از شهیدان عالی مقام.

- ۲- خواندن کتاب و درک و آگاهی از رنج‌هایی که افرادی چون شهید رجایی برای به ثمر رساندن انقلاب کشیده‌اند باعث تلاش جوانان به حفظ ارزش‌های انقلاب و احترام گذاشتن به این ارزش‌ها می‌شود.
- ۳- همان‌طور که شهید رجایی در وصیت‌نامه ذکر فرمودند: به کسی تکلیف نمی‌کنم ولی گمان می‌کنم اگر تمام جریان زندگی مرا به صورت کتاب درآورند برای دانش‌آموزان مفید باشد. با خواندن این کتاب و امثال آن می‌توان بهترین درس زندگی یعنی ایمان، سادگی و عشق را آموخت.
- ۴- چون می‌شود با سعی و تلاش از هیچ به همه چیز رسید به دانشجویان توصیه می‌کنم.
- ۵- به خاطر شناسایی افرادی چون شهید رجایی، افتخار کردن به این‌گونه افراد و عبرت گرفتن از این افراد و صبر و شکیبایی در برابر مشکلات و رسیدن به آرزوی دیرینه خود. به دانشجویان دیگر توصیه می‌کنم.
- ۶- به دانشجویان دیگر توصیه می‌کنم چون کوتاه و مفید و جالب است.
- ۷- آشنایی با این شخصیت و درس گرفتن از ایشان.
- ۸- به دانشجویان دیگر توصیه می‌کنم زیرا زندگی ما بر پایه خون شهیدان استوار است و من شخصاً علاقه خاصی به شهدا دارم و دوست دارم زندگی آنها، خاطراتشان و... را مطالعه کنم.

آشنایی با محتوای کتاب شهید همت:

کتاب شهید همت مشتمل بر ۷۶ صفحه می‌باشد. این کتاب با سالشمار زندگی شهید از تولد در قم‌شهر در ۱۳۳۲ تا شهادت در سال ۱۳۶۲ آغاز می‌شود. این کتاب زندگی شهید را در قالب مراجعه نویسنده کتاب به یک دندان‌پزشک بسیار آشنا و صمیمی با شهید همت، به تصویر کشیده است. نویسنده در مطب دندان‌پزشک مذکور علاوه بر درمان دندانش، سوالات خود را به‌منظور تکمیل کتابش می‌پرسد.

سفر شهید همت به کربلا (قبل از تولد)، دوران تحصیل و سرگذشت شهید همت به‌ویژه مبارزات شهید در پادگان، مبارزات دوران انقلاب و دوران همسر شهید در شهرضا، مأمور شدن در سپاه پاسداران بعد از انقلاب اسلامی، حضور همسر شهید همت شامل چگونگی آشنایی با شهید و زندگی سخت اما صمیمانه در مناطق جنگی، تولد فرزند شهید همت (مهدی) و شهادت او در عملیات حراری در غروب ۱۹ اسفند ۱۳۶۲، بخشهای گوناگون کتاب را تشکیل داده‌اند.

### ۱- نکات جالب کتاب از نظر دانشجویان ( $n=8$ ):

- ۱- مطالبی که مربوط به قبل از تولد شهید همت بود. مطالبی که رفتار شهید در منزل با همسر و فرزندانش داشته است.
- ۲- آنجا که مادر شهید همت به کربلا رفته بودند و شفای فرزندش را از اسم حسین (ع) خواسته بودند.
- ۳- خستگی شهید همت چند روز قبل از شهادتش و شهادت این شهید بزرگوار.
- ۴- اینکه با وجود علاقه زیادی که به زندگی‌اش داشت می‌گفت چرا من نباید مثل بقیه که چند ماه دور از خانواده‌شان هستند باشم.
- ۵- این مطلب به من اثبات شد که مردان بزرگ از دامن زنانند، چرا که در این قسمت‌ها شاهد صبر، گذشت و فداکاری زنی هستیم که با ایمان و عشق به همسرش را یاری می‌رساند.
- ۶- شخصیت کامل یک مرد در اینجا روشن است که با این خصوصیات هرچه بیشتر، بهتر به اهداف قدسی خویش نایل می‌شود.
- ۷- درک تکلیف توسط یک مرد بلند مرتبه که در سخت‌ترین شرایط بیشتر به وظیفه خود در قبال فرزند و همسر کوتاهی نمی‌ورزد.
- ۸- سخنان همسر شهید همت: "ما به دنبال خانه‌ای برای سکونت بودیم، یکی از برادران پیشنهاد کرد که در طبقه دوم خانه آنها مستقر شویم. آنجا در اتاق تو در تو داشت که با رفتن ساکنان قبلی محل مناسبی برای مرغ و جوجه‌های

صاحبخانه شده بود. به محض ورود شروع کردم به تمیز کردن در و دیوار و کف و اتاق زحمت زیادی داشت ولی بالاخره آن دو اتاق به طور کامل تمیز شد. فرش و موکت نداشتیم. کف اتاق را با دو تا پتوی سربازی پوشاندم. ملافه سفید را دو سر لا کردم و جلوی پنجره اتاق ریختم. علاوه بر این که مانع از نفوذ نور به اتاق به بیرون می شد. جای پرده را هم گرفت".

۹- او پسری زیبا، آرام، معصوم بود که قبل از به دنیا آمدن کربلا را زیارت کرده بود.

## ۲- نقاط ضعف و پیشنهادهای اصلاحی:

۱- برای درک بهتر خصوصیات اخلاقی و شناسایی بهتر افراد می توانست خاطرات همسر ایشان که رابطه بسیار صمیمانه و نزدیکی با ایشان داشتند را بیشتر و مفصل تر در این کتاب آورده شود. اگر خاطرات شهید را با بسیجی ها بیشتر بیان شود بهتر است.

۲- خیلی مطالب که ربطی به شهید ندارد را طولانی کرده است.

۳- نوشتن مطالبی درباره مسائل و کارهایی که خواننده در حین مطالعه درباره زندگی شهید انجام می داده و پیش کشیدن مسأله دندان درد و معالجه آن، از سوی نویسنده، خواننده را از هدف اصلی کتاب دور می سازد و در خواندن کتاب او را بی انگیزه می کنند و از تأثیرگذاری مطالب کتاب می کاهد.

## ۳- پیشنهاد کتاب به دیگران:

۱- استفاده از این کتاب را پیشنهاد می کنم چون می توان از سادگی این شهید الگو گرفت.

۲- این کتاب ویژگی یک انسان رنج دیده و صبور را برای ما روشن و به تصویر می کشد.

۳- از این شهیدان می توان گذشت، فداکاری، ایثار را آموخت.

۴- ذهنیت منفی بعضی از افراد نسبت به جنگ و شهید را تغییر می دهد.

یافته‌های فرعی (نکاتی برجسته از دیدگاه دانشجویان نسبت به سایر کتاب‌ها) توصیه در مورد کتاب شهید شهاب: «این کتاب را به دانشجویان دیگر خواندن کتاب را توصیه می‌کنم چون در این کتاب گفته شده است که واقعاً انسان حیرت می‌کند مطمئناً کسان زیادی ایشان را نمی‌شناسند یا اگر می‌شناسند فقط اطلاعات مختصری دارند با مطالعه‌ی این کتاب به شخصیت والای این شهید و سایر شهدا پی خواهند برد.

جالب‌ترین مطلب کتاب شهید صدوقی: جملاتی که نشانگر شجاعت شهید صدوقی است. «یا مرا می‌گیرند یا زندگی می‌کنند و یا تبعید می‌شوم و یا می‌کشند اگر کشته شوم هر قطره خونم یک صدوقی خواهد شد»

پیشنهاد در مورد کتاب شهید فهمیده: با خواندن این کتاب‌ها به نقایص و ضعف و اراده خودمان در مقایسه با این شهدا پی می‌بریم و آنها را بهتر می‌شناسیم.

جالبترین مطالب کتاب شهید برونی: نکات جالب کتاب «عنوان کتاب است «گلبوی» که صفتی مناسب برای شهید و نام زادگاه او «روستای گلبوی» است.

جالبترین مطلب کتاب شهید بروجردی: سرهنگ و شهید بروجردی بر سر مکان شروع عملیات جنگی به بحث و تفکر می‌پردازند اما به جایی نمی‌رسند شب از نیمه گذشته سرهنگ می‌خواهد اما شهید بروجردی نماز شب می‌خواند و در حال ذکر و مناجات بود که خوابش برد در خواب آقای را می‌بیند که به طرف او می‌آید و به او می‌گوید که چرا عملیات

را شروع نمی‌کنید؟ بروجردی می‌گوید: نمی‌دانیم از کجا شروع کنیم و آقا امام زمان (عج) لبخندی می‌زنند و می‌گویند از روستای قره‌داغ.

**پیشنهاد اصلاحی در مورد کتاب شهید بروجردی:**

تأکید بیشتر بر زندگی شغلی ایشان است و از زندگی شخصی، ارتباطات خانوادگی شهید با همسر، فرزندان، پدر و مادرشان صحبت نشده است.

**جالب‌ترین نکته کتاب شهید بهشتی:**

ملتی که برای اقامه عدل اسلامی و اجرای احکام قرآن مجید و کوتاه کردن دست جنایتکاران ابرقدرت و زیستن با استقلال و آزادی قیام نموده است. خود را برای شهادت و شهید شدن آماده نموده است. ص ۷۹

**توصیه در مورد شهید بهشتی:**

چون به نظرم آشنایی جوانان با زندگی بزرگان دین و زندگی‌شان تأثیر مثبتی داشته و حتی می‌تواند راهگشای برخی از مسایل و مشکلات در زندگی خود آنها باشد. به دانشجویان دیگر توصیه می‌کنم و کتاب خیلی خوب و جالبی بود.

**بحث و نتیجه‌گیری:**

در مورد کتاب شهید چمران از میان جلوه‌های و صفات نه‌گانه‌ای که در بخش مربوط مشتمل زیر آمده است، موارد چهارگانه زیر مشتمل بر: ۱- ایشار و شجاعت و رها کردن زندگی تجملاتی، ۲- جلوه‌های به ظاهر متضاد شخصیت وی شامل رزمنده بودن و نوازش گل سرخ، ۳- نمرات درسی و تلاش علمی وی، ۴- راز و نیاز او با خداوند مورد توجه واقع شده است. و مواردی که مربوط به تاریخ جنگ ایران و لبنان و کردستان و... بوده است، چندان مورد توجه دانشجویان قرار نگرفته است.

به طور کلی نظرات راجع به خواندن و تأثیر این کتاب بسیار مثبت بوده است. اما به هر حال دختران دانشجو، بیشتر دوست دارند در مورد زندگی شخصی شهدا از جمله شهید چمران بیشتر بدانند.

در مورد کتاب شهید رجایی، از میان بخشهای مختلف زندگی او شامل کودکی و ولادت تا اخراج از ارتش، مبارزات زندان و انقلاب، از وزارت آموزش و پرورش تا ریاست جمهوری، ساده زیستی و شهادت رجایی، موارد پنجگانه زیر مستقیماً بر: نامه همسر شهید رجایی به ایشان، ساده‌زیستی ایشان، عشق به خدمت شکنجه‌های ایشان و رابطه ایشان با شاگردان بیشتر مورد توجه دانشجویان قرار داشت. در مورد این کتاب هم علاقه دانش‌آموزان دختر به بُعد خانوادگی زندگی شهید مشهود است. تأکید برخی هم بر آن است که استفاده از سخنان مستقیم خود شهید بسیار مثبت‌تر و مطلوب‌تر است.

در مورد کتاب شهید همت نیز توجه دانشجویان دختر به خانواده شهید، نقش همسرش و خاطرات همسر کاملاً مشهود است، به گونه‌ای که بیش از نیمی از اظهار نظرها در این باب است. در مرحله بعدی مطالب مربوط به قبل از ولادت شهید (از زمانی که مادرشان باردار بودند)، مورد توجه دانشجویان قرار گرفت. ملاحظه می‌شود که در تمام کتاب‌های مربوط به شهدا، استقبال دانشجویان چقدر زیاد است. ما می‌توانیم با استفاده از این کتابها فرهنگ شهادت را در دختران و پسران گسترش دهیم. البته می‌توان سطح کتابها را با پیشنهادهای مطالعه‌کنندگان ارتقا داد. با توجه به نظرات دانشجویان دختر، مطرح شدن ابعاد خانوادگی شهید، استفاده از بیانات بیشتر شهدا و بیان بخشی از کتاب از زبان مستقیم شهید حداقل در مورد دختران بسیار مؤثر است.

در مقایسه بین محتوای کتاب و نظرات دانشجویان دختر در می‌یابیم که کتابها به بُعد وظیفه‌شناسی و فعالیتهای انقلابی شهدا اهمیت بیشتری داده‌اند، ولی دانشجویان به بُعد خانوادگی شهدا و چگونگی رفتار آنها با خانواده‌شان اهمیت داده‌اند و اینگونه مباحث را جالب دانسته‌اند. (علاوه بر آن بعد فروتنی، سادگی و



تواضع شهدا و نیز لطافت طبع ایشان مورد توجه دانشجویان قرار گرفته است). به همین دلیل توصیه عمده‌ای که تقریباً برای تمام کتابها (مشمول بر سه کتاب مورد بررسی کامل و سایر کتابهایی که قبلاً اشاره شد)، از سوی دانشجویان مطرح شده است، مطرح شده ابعاد خانوادگی شهید است.

به نظر می‌رسد جای پژوهش یا پژوهش‌های دیگری در باب کتابهای نیمه پنهان ماه که سرگذشت شهیدان از زبان همسران ایشان است، خالی است. امید است پژوهش‌های بعدی بتوانند در این باب، یافته‌هایی حائز اهمیت داشته باشند. شهیدان، متصف به ارزشهای والا و در عین حال در ابعاد متنوعی هستند. می‌توان فرهنگ شهادت و شوق به آن را از طریق نشان دادن عالمانه با نظر به نیازهای مخاطبان مختلف رواج داد. به نظر می‌رسد ارزش‌های تصویر شده از سوی شهیدان آنقدر تنوع دارد که بتوان گروه‌های مختلف سنی و جنسی را از طریق کتابهای مختلف جذب و با فرهنگ شهادت آشتی داد.

## منابع و مأخذ:

۱. شهید چمران (۱۳۸۰)، تهران، انتشارات مدرسه.
۲. شهید رجایی (۱۳۸۰)، تهران، انتشارات مدرسه.
۳. شهید شهاب (۱۳۷۸)، مشهد، شفق.
۴. شهید صدوقی (۱۳۸۱)، تهران، انتشارات مدرسه.
۵. شهید فهمیده (۱۳۷۸)، تهران، انتشارات مدرسه.
۶. گلیوی (زندگی‌نامه شهید پروینی) (۱۳۷۹)، مشهد.
۷. شهید بروجردی (۱۳۸۱)، تهران، انتشارات مدرسه.
۸. شهید همت (۱۳۸۲)، تهران، انتشارات مدرسه.
۹. شهید بهشتی (۱۳۷۸)، تهران، انتشارات مدرسه.
۱۰. قاموس قرآن، (سیدعلی اکبر قریشی).
۱۱. فرهنگ دهخدا.
۱۲. دانش‌نامه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، وزارت آموزش و پرورش.
۱۳. نهج‌البلاغه، (محمد دشتی).
۱۴. مجموعه احادیث میزان الحکمه، (محمد محمدی ری‌شهری).
۱۵. سایت [www.sokhaneasemani.shahidan.mihanblog.com](http://www.sokhaneasemani.shahidan.mihanblog.com)
۱۶. سعیدی رضوانی، نوید، ۱۳۸۰: ساخت ابزار سنجش نگرش مذهبی دانش‌آموزان تهران، پژوهشکده تعلیم و تربیت.
۱۷. کاظمی، یحیی و سعیدی رضوانی، محمود، ۱۳۸۳: مقایسه تاثیر روش‌های تدریس بر تغییر دانش‌آموزان نسبت به هدفهای ارزشی درس دینی، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال اول، شماره اول.